

**محرکه = ۱- مجلس؛ جامعه؛ شلکے قتے یاخ**  
 مه وش، ماش مردینه معرکه یند گهپ ذبذ نه  
 قهرذبذ= با کارد آش بری آتش شور ندهی، اگر  
 نی مرد ما در مجلس گپ زده نمی تواند" خرافه،  
 اعتقاد غیرمنطقی و ثابت نشده."

**مُخ = جوانه.**

**مخته = مخلوط نخود"مشنگ" و جو یا چودار"**  
 گندم وحشی؛ "چوشچ ات مینارج ته تر مخته  
 دهبذین= از مخلوط جو و مشنگ مخته بدست می  
 آید.؛ م. مَنار، جو، چوشچ.

**مخته-کینت = غله باقلا با مخلوط جو یا چودار.**

**مَخَج (مٹ.) = بی گوش؛ گوسفند: ~ مَر = گوسفند**  
 بی گوش.

**مُخَج (مذ.) = بی گوش؛ گوسفند: ~ مریچ = قچ بی**  
 گوش؛ یو- وهرگ گچود= بره بیگوش چه شد.

**مَخشول، مَخشول = مشغول.**

**مُدعا = هدف، مقصد؛ توت چیز ~ تے یئچ؟ =**  
 به کدام مقصد آمدی؟

**مُدَمغ = سر سخت، شیطان صفت.**

**مَدووبش = مدهوش، بی هوش.**

**مَذار = چاشت.**

**مَذار چبف = چاشتکی؛ هر روز در چاشت.**

**مَذار-خابنت = نان چاشت.**

**مَذاکره = مذاکره.**

**مِذبن = میانه، بین، مابین؛ وبف مِذبن بیو غُدے**  
 قُد = در بین آنها یکی کلانتر بود.

**مِذبنه = میانه، بین، مابین؛ ار زِمخ مِذبن مه-دبذ =**  
 در بین زمین نرو.

**مِذبنینج = وسطی، مابینی.**

**مردے کار = مردکار؛ وُز اُم تمه رد مردے کار**  
 نیست = من مرد کار شما نیستم.

**مُردَه = مرده.**

**مُردَه-پِتَنوداو = لت کردن، زدن.**

**مِرزه، مِرزه = تخته افقی یه امتداد دیوار برای**  
 نگهداری اشیای خانه؛ دِشید-قه پس پِگل-ات-ته  
 مِرزه وبذبن = در لبه بام به امتداد افقی چوب می  
 مانند.

**مِروداو = ژکیدن، ناله کردن؛ یه پش کتَه-رَبنهب**  
 مَررد = پشک تمام شب ژکید، ناله کرد.

**مَرِبند = ب. نوع نخود کوهی.**

**ماش = ما.**

**ماپین = بین، وسط.**

**ماپلے = اولین میوه ایکه پخته میشود؛ تود نو خه**  
 پست، لوفین: "ننتوید و قتیکه اولین توت پخته  
 میشود، میگویند" یا اولین میوه توت برآمد  
 برآمد."

**مات- کرده = مانده.**

**مات = مانده، خسته، زله.**

**ماث = تیاق، عصا چوب.**

**ماچه خر، ماچه، ماچک = خر ماده؛ م. نرخر.**

**مارج واین = شبدر (Trifolium repens).**

**مارج = شبدر (Trifolium repens).**

**مارخ = قهطی.**

**ماسل = ناظر؛ تماکے تهژبت ات کار کینت. تو**  
 رد چیز، ماسلت ماش تے یا؟ = تنباکویت را

بکش، کار کن. برای تو چی، بالای ما ناظر استی.

**ماشین-پوند = راه موتر رو.**

**ماشینه = موتر.**

**ماپین = لوبیا (Phaseolus aureus).**

**ماپنه = ماشه تفنگ.**

**مافه = بسیار مانده و خسته.**

**ماکے = دوک.**

**مال = حیوانات شاخدار خورد؛ گوسفند و بز.**

**مال-پنید = مال چراندن.**

**مال-دیود = دوشیدن مال.**

**مالبن چ. = نظارت، تعقیب ک.؛ وبف نخچیربن**  
 اُم ~ چود خو، بعد اُم وبذد پاٹ = به تعقیب آهو

ها بودم و بعدا بالای شان فیر کردم.

**مُبا = آفت، بیماری جهانگیر.**

**مُت = مشت.**

**مُتکے-بورج = سنگ لشم؛ ~ قتے ته نصور**  
 پهنین = با سنگ لشم نصور می شکند.

**مُج = دوگانگی، دو قلو؛ دهبذین ~ دے خه،**  
 مانندین = آنها دوگانگی سانمد و با هم مانند

استند.

**مِجاز = مزاج، طبیعت، کرکتر.**

**مُرغک** = حلقه دروازه.  
**مرکهب ج.** = مرکبپن = مرکب، خر.  
**مَرَوَت** = پیچ؛ تنظیم کننده؛ سونبج.  
**مَرهت چیداو** = تعارف کردن.  
**مَرهت** = تعارف.  
**مَرَوَب** = قیماق.  
**مَرود** = ناک.  
**مَرودک** و **هن** = نوع بید جنگی، بید خاکستری؛ م.  
**وَرمهک**.  
**مَزاحم** = مزاحم.  
**مَزَقهل** = بی استعداد، بیکاره، نادان؛ یم ~ چارک  
 ، **دِفے** تثبیت نه فُهرذپد = این مرد نادان نمی  
 تواند دروازه را بتراشد.  
**مَزَنگ** = چالاک، دروغگو.  
**مَزَه کَبِن** = چالاک، سرفه جو.  
**مَزینه** = راز.  
**مَز =** گوسفند.  
**مَزخُونج** = گرسنه؛ م. گَبینه.  
**مَزخُونجے** = گرسنگی؛ م. گَبِننگے  
**مَز-دونک** = یکنوع توت .  
**مِرِیج (ج.)** = **مِرِجبن مِرِیج خَبَل** = قچ، قچ ها.  
**مِرِیجند** = از قچ، گوسفند؛ ~ گوشت = گوشت قچ  
 یا گوسفند.  
**مِس =** ۱- هم؛ همچنان؛ تو پُخ ~ خو قتیر یاس  
**أم** = بچه تو را هم با خود میبرم؛ پس ات تو ~  
 مو قوم = پس تو هم قوم من استی. ۲- حتی؛ بَنج  
 ته مَاش اره مِبث-پخ-گه ~ نه فَرے أم = آب را  
 حتی در سه روز دیگر هم پیدا نمی کنیم.  
**مِس =** مس، آهن.  
**مَسَتک** = ب. علف هفت بند (Polýgonum  
 aviculáre)؛ م. صغیر-گُلک.  
**مَسَجِت**؛ **مَسَجِت** = مسجد.  
**مِسفهر** = بابا آدم؛ آراقیطون (Arctium lappa)؛  
**گل آفتاب پرست**؛ Helianthus.  
**مسقره باز** = مزاقی.  
**مسقره** = مزاق.  
**مَشِق** = ۱- علاقه؛ دوند مو مَشِق فُد اده سهب أم  
 مس بِناورے چو = آنقدر علاقه داشتیم که شب هم  
 آبازی میکردم. ۲- تمرین؛ مَشِق چ. = تمرین  
 کردن.

**مَشک** = بجل؛ ~ بئبتاو = بجل بازی.  
**مَشلات** = مزاقی، شوخ طبع.  
**مَبِس** = باقلا.  
**مَبسارح** = مشنگ.  
**مَبسارکه** = ب. گل توتون (Nicotiana  
 tabacum)؛ دُند وخت اند أم مَبسارکه تیژد = در  
 وقت جنگ ما مَبسارکه "گل توتون" را می  
 کشیدیم.  
**مَبسِتاو** = ادار ک.  
**مَبسِتک** = قبضه، دسته یی؛ وِبف مو ~ پن جمع  
 کِن خو، وئب ذه = این قبضه ها را جمع کن و  
 درزه ببند.  
**مَبسک، مَشک = مشک**؛ ~ **بوی** = بوی مشک. ؛  
 مَشک ماده خوشبویی است که معمولاً از نافه  
 جنس نر آهوی ختن گرفته می شود. کیسه ای در  
 زیر شکم این آهو وجود دارد که در آن ماده ای  
 لزج و شکلاتی رنگ وجود دارد که در فصل  
 بهار آهو آن را در اثر خارش به سنگ می کشد.  
 وپ.  
**مَبسک = تگرگ**؛ ژاله.  
**مَبسک = مشنگ**؛ ژاله.  
**مَبسکل** = مشکل، سخت.  
**مَبس-مَبسه، مَبس-مَبسه چ.** = تنبلی، بی علاقگی؛  
 ناز و عشوه؛ فارت تو-رد خه، نه-فارت مَبس-مَبسه  
**مهک** = میخواهی بخور، نمی خوری، ناز عشوه  
 نکن؛ پد اوقات وے رد نه فارت خو، یو مَبس-  
 مَبسه کِست = دلش به نان نم شود و ناز و عشوه م  
 کند.  
**مظفری** = نوع توت سفید (Morus alba).  
**معرغک** = ۲- بیشه؛ دم مهرغک اند ذو بُنه = در  
 این بیشه دو خانه وار استند؛ ۲- نام جایی در  
 بجو؛ وِبف قَزین اس چینمه یپن زے خو، ار  
 مهرغک فه = بز ها از چینمه یپن "چشمه سار"  
 به مهرغک ببر.  
**معروضه چے** = گزارشگر.  
**معروضه** = گزارش؛ تم معروضه-ره خوند وخت  
 لازم؟ = برای دادن گزارش چند روز لازم است؟.  
**معغز** = ۱- مغز ۲- هسته؛ ۳- سر؛ ۴- فکر و  
 حافظه.

**مَعِيشَت** = معیشت، زندگانی؛ خرچ ات خُراج تمه رد فهم خو، معیشت کِنِبَت = برای شما خرچ و خوراک را می آورم و با تمام اشتیاق زندگی کنید.

**مَغْلُوبِ چ** = مغلوب ک؛ مغلوب س = مغلوب شدن.

**مَغْمُور** = ۱- افتخار؛ په خو عمل مَغْمُور مه-فه = به عمل تان آفتخار نکنید؛ ۲- راضی؛ په بَدَبَسَخِ بَسَوینچکے مو رد فورج، وُز اُم یس مَغْمُور په وے! = یک کرباس بدخشی برایم آورده، انقدر به آن راضی استم!

**مَغُونْد** = مانند، مثل.

**مُق**، **مُق** = ۱- قد پخش؛ ۲- فربه.

**مُقَابِه**، **مُقَاوِه** = جلد کتب، پوش کتاب؛ وم کتاب ~ غهفخ فُذ = جلد آن کتاب ضخیم بود.

**مَقِیم** = مقیم، همیشه.

**مُکدر چ**؛ **مُکدر چ** = خسته ک؛ بیزار ک؛ مانده ک؛ در گپ: دوندے گهپ داد اده، ~-ے مو چود = انقدر گپ زد مرا خسته کرد.

**مَکروُن** = مکرونی، آشک.

**مَکنتاش** = بالاپوش بارانی؛ مو مَکنتاش خبذین سَت = بالاپوش من چتل شد.

**مَکے**، **اَمَک** = کاکا.

**مُل** = اتاله گندم در روغن؛ مُل مس هر رهنگ روغن بَسَرفا خه یت، پد تهم سِتَد = اتله گندم هم همان اتاله روغنی است اما غلیظ .

**مِلال** = ملال، نا راضی، خفگی.

**مَلْعَس**، **مَلْعَسَت** = با شکار خوب! با موفقیت!؛ په یار رِبُو خه سُوْد، رِبُو خه کِنِبَت خو، خه یاذد، هر تهن وے خه وینت، اس وے پِبِسَخَت: "مَلْعَس!" یو ته لُوْفَد: "چهرف" = اگر کسی شکار میرود، شکار میکند و بعدا که آمد، هرکس او را دبد، از او پرسان میکن: "با شکار خوب" او میگوید: "با چربی". یعنی چیزی را شکار کرده.

**مَلْعَبَنَخَک**؛ **مَلْعَبَنَخَک** = دوست داشتنتی؛ زیبا؛ برعکس: بِنَاپِبَنَخَک؛ وُز اُم اول تو خبز اند بِنَاپِبَنَخَک فُذ ات، شِچ اُم مَلْعَبَنَخَک = در اول من برایت بی زیب بودم، حالا زیبا و دوستداشتنتی.

**مِلُوتِ خُو چ**، **مِلُوتِ س** = عجله ک.

**مِلُوت**، **مِلُوتَک** = ماسوره، برای تنیدن گلیم در وقت بافتن یا نخ.

**مِلْهَخَت** = پوست ضخیم برای تل چموس؛ دَم ~ تو-رد چهی دهکچود؟ = این پوست ضخیم را برای تو کی داد؟؛ ~ مالتاو = مالیدن پوست ضخیم.

**مِلْهَخَت-فوسِچ**، **مِلْهَخ-فوسِچ** = چموس با تل پوست ضخیم.

**مِلْهَم**، **مِلْعَهَم**، **مِلْیم**، **مِلْهَم** = مرحم، مخلوط دارویی؛ بنداج.

**مِلُومت** = سرزنش، محکومیت.

**مِلْنِرْخَک** = کابوس؛ آدم هر چیزت خویبِخ لُوْفَد خو، دَد لُوْفَد: "~ مو پهخچه چود = آدم وقتیکه در خواب گپ می زند، آنرا میگوید: "کابوس او را آزار داد".

**مَمْلَکَت**، **مُمْلَکَت** = کشور، وطن، منطقه.

**مَنْبِر** = تالار، تریبون.

**مَنْدُو** = پشت(حیوان)؛ مو قارج-تیر-پن خُب گَرْتَشْکَه تیزد خو، وے مَنْدُو رِبِس سَت = بالای اسپ من بسیار کچالو آوردند و پشتش را ریش کردند..

**مِنْدَهَل**، **مُنْدَهَل** = سپتوم در دیوار خانه؛ بعد فا وے چید ارد ~ پن کِنِبَت = بعد در داخل خانه سپتوم ها دیوار را جور میکند. ~ س. = بی حرکت ماند؛ تو-ت چیز ~ سُدْج خو، رِبْذِجَت = چرا بی حکمت ماندی.

**مَنْسُوخت** = منسوخ.

**مُنْگَر**، **مُنْگَرِک** = ۱- مفصل انگشتان دست و پا؛ ۲- شیخ شدن؛ ~ س.: خو اَنگَبِنَت اُم زاد خو، پد ~ سَت = انگش من زخمی شد و بعدا بی حس شد.

**مَنْگَرِک** = امپلق، تلنگر(زدن با ناخن وسطی چیزی را).

**مَنْگَسَک** = کک و مک؛ روی خالدار با رنگ های نسواری.

**مَنْگَسِن بِيخ**، **مَنْگَسِن بِيخ** = روی کک و مک دار.

**مَنْگَهَل** = سر، گردن؛ یو دندے مو مَنگَهَل وینت اته، یت تر مو خبز، یاس مو قارج = همین که او مرا دبد، دفعتا نزد من آمد، اسپ مرا ببر.

**مَنبَج؛ ج. مَبْجَبِن =** گوسفند، گوسفندان.  
**مَنبَج-بُوسْت، مَنبَج-بُوسْت =** پوست گوسفند.  
**مَنبَجند =** از گوسفند؛ ~ گوشت = گوشت گوسفند.  
**مَنيار =** مه (ابر) (مه)، قطرات ریز آب پخش شده در هوا است که در نزدیکی سطح زمین و عموماً در ارتفاعات ایجاد می‌شود، و در فصل بهار و تابستان بیشتر است. به وجود آمدن مه، مستلزم اشباع هوای اطراف زمین از بخار آب و کمتر بودن دمای هوای اطراف زمین نسبت به سطح زمین است. اصولاً تشکیل مه، به دلیل ایجاد ابرهایی مترکم در نزدیکی سطح زمین، باعث کاهش دید و بسیاری از سوانح جاده‌ای می‌شود. این کاهش دید به خودروهای شخصی محدود نبوده‌است و معمولاً باعث به وجود آمدن تصادم کشتی‌ها و مشکل شدن حرکت هواپیماها می‌شود. وپ.

**مَنيار =** مَيار = مه، ابر یا مه؛ ابرهایی مترکم در نزدیکی سطح زمین یاد در سطح دریا.  
**مُوثِق =** ب. شیرین‌بیان، شیرین بویه؛ مَهْک (Glycyrrhiza glabra).

**مُوجِه =** تقویم شمسی قمری یا حساب ۱۲ سال با ۱۲ حیوان؛ مو-ند مو ~ اسپ = سال تولد من اسپ است.

**مُورَخْک، مُورَخْک =** مورچه.

**مُورِے =** خندق.

**مُوزِه - انْخَهْفِیج، مُوزِه دُوز =** موچی، بوت دوز، موزه دوز.

**مُوزِهْگ =** ب. علف هرز ارشته خطایی (Lepyrodiclis holosteoides Fenzl)؛ گندمک (Stellaria) از تیره میخکیان.  
**مُورِبَخْ؛ مُورِبَخْ ج. =** سقط جنین؛ در ح.؛ سقط جنین ک.

**مُورِبَخُورم =** سقط جنین شونده (ح.).

**مُوشْک =** آبنه، دانه، ورمی در سوراخ‌های بینی اسپ؛ مریضی اسپ: مو قارچ-اند ~ سُت، و ے نئخ-اند سُت = اسپ من آبنه شده، آبنه در بینی آن است.

**مُوبِن-غُورِ، مُوبِن-غُورِ =** گوش کوتاه (ح.).

**مُوقُوف، مُنْقُوف =** منع، توقف.

**مُوکُنْتِه =** موی کندن؛ از غم و غصه.

**مُوکِے، مُوکِے =** یکنوع بوت؛ ~ مس بوت چناو، پهبست غُورِک و بَف-اند، ات اس بیر پِے و بَف یا غهْفَخ مَلهخت، یا سِرْبِس اَنْخِن خُو، بی پِئِرَنکِت پِنخِن = ~ هم مانند بوت انقدر بلند نیستند، در تل شان چرم یا پلاستیک ضخیم می‌دوزند و بدون پاشنه می‌پوشند.

**مُوم =** مادر کلان.

**مُون =** سیب.

**مُوی بَاف =** موی باف.

**مُوی لُب =** بروت؛ م. بروت.

**مُویْدَخَیوْنِه =** پاداش، پول برای مژده رسان.

**مُویْدَخَیے گَهر =** مژده رسان.

**مُویْدَخَیے =** مژده، خبر خوش، خوش خبری.

**مُوی-گَه، مُویک-گَه =** کمی؛ ~ یام نه یثِچِت، سِخْت یه ژاو بُق = کمی نا وقت می آمدن آن گاو" مٹ. می مرد.

**مُهختاو: پِے خُو مهختاو، اِسْتَمْنَا =** خودارضایی یا جَلْق زدن (همچنین اِسْتَمْنَا برای مردان و استیشاء برای زنان) از روش‌های ارضای میل جنسی است. به عبارت دیگر، خودارضایی به تحریک جنسی اندام جنسی خود، جهت برانگیختگی جنسی یا سایر لذت‌های جنسی اطلاق می‌شود و معمولاً به اوج لذت جنسی می‌انجامد. برای برانگیختگی ممکن است از دست‌ها، انگشتان، اشیاء معمولی و اسباب‌بازی‌های جنسی از جمله لرزاننده یا ترکیبی از همگی استفاده شود. تحریک کردن شریک جنسی با دست همچون انگشت کردن، دست‌کام‌دهی، خودارضایی متقابل، فعالیت‌های جنسی شایعی هستند که ممکن است به‌جای دخول جنسی بکار روند. به عبارتی، خودارضایی عموماً به انجام این عمل توسط خود شخص اطلاق می‌شود، اما تحریک آلت توسط فردی دیگر، البته بدون آمیزش جنسی (معمولاً با دست) را نیز نوعی خودارضایی می‌دانند. مطالعات انجام‌شده نشان داده‌است که خودارضایی در هر دو جنس مذکر و مؤنث و در تمام سنین رایج است، هر چند تفاوت‌هایی وجود دارد. بر پایه پژوهش‌های انجام‌شده توسط آلفرد کینزی درباره شیوع خودارضایی، تقریباً

صددرد مردان و سه‌چهارم زنان در دوره‌ای از زندگی خود، دست به این کار زده‌اند. فواید پزشکی و روان‌پزشکی گوناگونی به خودارضایی و نگرش سالم افراد به فعالیت جنسی، نسبت داده شده‌است. هیچ‌گونه رابطهٔ علت-معلولی میان خودارضایی و هرگونه اختلال جسمی یا روانی وجود ندارد. وپ؛ م. استمنا.

**مهسه**، **اس مهسه**، **از مهسه** = از خاطر، برای، به خاطر، اس مهسه پات بناه ام تو مس نه ژیوج = از خاطر پاد شاه تو را هم دوست ندارم.

**مهسه** = ایچبگی؛ موزه از پوست؛ دراز با ظرافت و نرم.

**مهلوچه** = مانند مساله کوری؛ مے گرتشکه-رد مهلوچه خه قبد، بمزه یم سوؤد = اگر مساله کوری برای این کچالو باشد، مزد دار میشود.

**مهمبز** = دوش سریع.

**مورتاو** = آهسته راه گشتن؛ ~ ام-~ ام، قپگه-رئم پے بجوو فریبیت = آهسته آهسته "راه رتم" تا شام خود را به بجوو رساندم.

**مورچه-گور** = لاغر؛ مآش ام تو جناو ~ نیت = ما مانند تو لاغر نیستیم.

**موربش** = شپش و خسک، حشرات طفیلی.

**موربش** = شپشی.

**مور-مورک** = آهسته- آهسته، آهسته- آهسته راه رفتن.

**موش** = گوش کوتاه؛ ح.: موش قز-اند-پن دوند-دوندک غورپن = بز گوش کوتاه گوشهای خورد-خورد دارد. م. مؤین.

**مؤین**، **مؤین چ** = گوش های سیخ، سیخ ک. گوش ها، اسپ، خر.

**مؤنده** = مانده، خسته و زله؛ ~ مه- قیپت! = مانده نباشید! "سلام علیکی در وقت کار".

**مؤنه**، **مؤنه** = مانند.

**مپتین** = چکش؛ برای تیز یا درشت کردن سنگ های آسیاب.

**مپت** = روز.

**مپتن** = از طرف روز، روزانه.

**مپتجپف** = روزانه، هر بار در روز.

**مپدون** = میدان.

**مبز**، **مبزک**، **مبنت** = ادار.

**مبزک دون** = مئانه.

**مببئچ**، **مببئش** = توقف زایمان گاو؛ مو ژاو مببئش، بعدے چند وخت ته قاق کینت = گاو من دیگر چوجه نمی دهد و چند روز بعد شیر آن هم خشک میشود.

**مببئک بوست** = پوست آهو.

**مببئک** = آهو.

**مببف** = اینها.

**مببئک** = شادی، میمون.

**مبمؤن** = مهمان.

**مبنتاو** = مانند؛ وُز پے مے پامپر مپن ام = من در این پامپر می مانم.

**مبوخ** = توت های جدا شده بی خشک و خوب؛ درجه یک.

**مبوخک** = میوه خشک شده در درخت توت.

**مے جهد؛ ج. مجهدبن** = جاری؛ قرابت زنان برادران با همدیگر.

**مے رویه گے** = از اینطرف؛ دریا؛ م. دے رویه بیچ، وے رویه بیچ.

**مے رویه** = اینطرف؛ دریا؛ م. دے رویه، وے رویه.

**مے** = شصت، ضربه؛ سرعت گرفتن؛ وُز ته پے مے تئت دم وئذ ته زین ام = من در شصت یا سرعت از این جوی می پریم.

**مے-چهنگ** = بدست، در دست؛ شیچ پول دے ~ داد = حالی اگر پول بدست اش بیاید؛ در پنجه؛ یہ عقاب چس وم ~ ات، روبنت = آن عقاب ماکیان در چنگالش و پرید.

**منخ-جهند**، **منخ-جند** = میخ چوبی برای سست کردن بیخ پیاز.

**میداو** = مردن.

**مید** = کمر، پشت.

**مے-دست** = در دست.

**مئر؛ خو.**؛ **زیون مئر چ.** = خب، ساکت ش؛ اه بچگله! کو خو زیون مئرپت = آه بچه ها! زبان تانرا بگزید "ساکت شوید".

**میرجوی** = میر جوی، مدیر آب.

**میرموشون** = موش تاززی یا قاقم (Mustela erminea)؛ ~ ته مال خُقد = قاقم مال را میگذرد.  
**میزجک** = ساختمانی.  
**میزداو** = ساختن.  
**میزداو** = ساختن؛ جور ک.  
**مئست** = مهتاب.  
**مئستونج**، **مئستینج** = ماهوار؛ ارهی-  
**مئستونج** = سه ماهه؛ خوند مئستونج = چند ماهه.  
**میسک** = چکری.  
**مے-غور** = بار آغوش، بسته باری در آغوش؛  
 یو ژیز وے ~ ات، یت = بسته هیزم در بغلش و آمد.  
**مے-قهپ** = در دست؛ تو پُخ أم خو ~ چود = بچه  
 ات را در دست گرفتم.  
**میلے**، **میش** = خوب؛ تهم میلے، وُز ات رئیس  
 مے تاف پے تمه خیز یدام = خوب، اینبار من  
 رئیس نزد تان می آیم.  
**مے-نول** = به منقار، به نول؛ چبود ~ دونه فُدد =  
 غله در نول کبوتر بود.  
**میه دار** = حیوان دار.  
**میه داری** = دامداری، حیوان داری.  
**میه** = حیوان؛ دام، دارایی.  
**میون-پاچه چ** = ناتمام ک؛ خلاص نکردن.  
**میون-پاچه** = نا تمام؛ دھذ ذو بهندپن ~، رنوبست  
 أم دبف = این دو خط "مصره" نا تمام ماندند، آنها  
 را فراموش کردم.  
**میون** = ۱- کمر؛ ۲- وسط؛ ~ ووس = چوب یا  
 تیر وسطی خانه های پامبری.  
**میونه** = ۱- وسط، در بین؛ ~ بَنخ اند أم ذاد ات،  
 بَنتر چه زون ذاد = در بین وسط آب در آمدیم و  
 شتر زانو زد.؛ ۲- نمره قناعت بخش؛ موردے  
 ~ و بدد = برای من نمره میانه داد.  
**میین** = باریک.  
**مییند** = کمر بند؛ ~ گه یے فوست خو، یت دید  
 ار سورخونه = آن کمر بند را بست و داخل محفل  
 عروسی شد.